



دکتر محمد تقی باقر

تقابل فقه شیعی با افراطیگری

متأسفانه در سال های گذشته ملاحظه می شد که برخی روشن فکران دینی در ایران در مقام نوعی مقایسه میان برداشت هایی از فقه شیعی و ایدئولوژی داعش بر ضرورت اصلاح فکر دینی تأکید می کردند . البته در ضرورت اصلاح فکر دینی و اجتهداد اصول و بارور کردن فقه اجتماعی مبتنی بر ضروریات و مقتضیات زمان و مکان و در نظر گرفتن مقاصد و مصالح شرع و مردم واز همه مهم تر اندر ضرورت در نظر گرفتن ایتنای فقه اجتماعی بر حقوق بنیادی بشر تردیدی نیست و می توان بسیار درباره آن گفت. اما اینکه گفته شود در فقه سنتی شیعی هم فتاوی نزدیک به فقه داعشی موجود است یا اینکه در فقه ما هم ظرفیت هایی هست که می تواند به ظهور فقه داعشی منجر شود، سخنی است گراف و نادریست.

نخست باید گفت داعش فقهی ندارد. این گروهی تروریست است که فقط سعی دارد از مبانی دینی برای خود ایدئولوژی دینی و فقهی دست وپا کند. قرائت این گروه از اسلام و منابع شریعت و فقه و عقیده قرائتی قشری و ظاهرگراست و درست برخلاف روندی است که فقیهان شیعه و سنی در طول تاریخ در راستای روند اجتماعی خود طی کرده اند. همه اصول فقه در اسلام بدین جهت پایه ریزی شد تا مبانی اجتماعی برای فهم متن مقدس شکل گیرد و از ظاهر الفاظ و عموماً بتوان راهی به تفسیرات و تخصیصات اصل برد. حتی در قشری ترین لایه های اصحاب حدیث که با بیشتر مبانی اجتماعی فقهایی حنفی مخالف بودند، یعنی فقیهان حنبلی، به تدریج چنان که می دانیم، فقیهان ضرورت بهره وری از مبانی اجتماعی و اصولی را درک کردند. نمونه روشن این موضوع، بهره گیری فقیهان حنبلی متأخر است از مبحث ضرورات و مصالح خسته یا آنچه امروزه با عنوان فقه مقاصدی شناخته می شود. باری آنچه برای فقه اسلامی در طول تاریخ به عنوان چالشی مهم در این باره وجود داشته است و خطر داعشی کردن را برای فقه می توانسته ایجاد کند، دو چیز بوده است:

یکی بهره برداری اهل قدرت بود از فقه و فقهایی سلطانی. در طول تاریخ نهاد علما وقضات در حکومت های سلطانی، همواره اهالی قدرت این تلاش را داشته اند تا برای مطامع سیاسی و رقابت های قدرتی خود از فقه و فقهاب بهره وری ابراری کنند. فقیهانی هم بوده اند که با عناوین ثانوی مانند ضرورت حفظ وحدت امت و جماعت از سلطان و خلیفه حمایت می کردند و بنا به فرموده او در موارد مقتضی حکم فقهی وقضایی به دل خواه سلطان صادر می کردند. در برابر این فقیهان ووعاظ السلاطین وآخوندهای درباری، البته همواره فقیهانی دیگر بوده اند که آنان را اعملاء السوء خطاب کرده واز فقه وفقاهت آنان مردم را بر حذر می داشته اند. بنابراین در عمل در طول تاریخ هیچ گاه فقه اصحاب قدرت که گاهی در خدمت به سلطان نمودی داعشی پیدا می کرد، نمی توانست دیر زمانی به عنوان تنها اجتهاد مقبول یا مشروع جلوه کند وهمواره برخلافت ها یا خواسته های آنان شکل می گرفت و جلو درازدستی ها به شرع و شریعت رامی گرفت. به طور نمونه، بسیاری از شروطی که فقیهان برای اجرای حدود و تعزیرات قائل شده اند، در عمل برای مقابله با این درازدستی ها وسوء استفاده از فقه و شرع ارائه وپیشنهاد می شد.

● قشریگری سلفیه

مشکل دوم ظهور جریان سلفیگری وهابی دردویست سال گذشته بود که در واقع همه تاریخ اجتهاد و فقه و کلام ورزی اجتماعی و عقلی گرا در اسلام را می خواست و می خواهد با قشریگری و ظاهر بینی خود با عنوان ضرورت بازگشت به سنت از میان بردارد. غافل از اینکه مجتهدان وفقیهان درسده های گذشته فقه را بستری برای اعمال اجتماعی بشری درو یارویی با متن مقدس وسنت سلف وچگونگی تعامل باآن دو می دانستند. فقه در حقیقت مجموعه ای از اجتماعات واجتماعات فقهاست ونمی تواند بریده از واقع اجتماعی باشد، تعاملی ودیالکتیکی است میان نص مقدس وواقعیت اجتماعی.

بدین ترتیب در عمل فقه در طول تاریخ اجتماعی خود روندی مخالف سیره سلف داشته است وفقیهان در حقیقت با اعتبار بخشیدن به اجتماعات هر عصر وتوجه به عرف مؤمنان همواره سعی داشته اند راهی برای برون رفت از تنگنای فقهی یا کنند که سلف وفقه سلف برای آن ها ایجاد می کرد. طبیعی است که برای چنین رویکردی فقه سلفی محور وهابیت یک چالش بزرگ برای اهل سنت است. به ویژه اگر در نظر آوریم که پرتودارهای عربستان سعودی در چند دهه گذشته به شکل وسیعی فقه سلفی غیر اجتماعی وسنت گرا وبل واپس گرای خود را در همه ابعاد آن ودر اشکال مختلف در نظام های آموزشی ودینی وافتابی جهان اسلام تزریق کرده است یا تلاش دارد تزریق کند، نه تنها در نجد وحجاز، بل حتی شوربختانه در مراکز مهمی که به طور سنتی بستر فقه اجتماعی حنفی بوده است، یعنی در شبه قاره وآسیای مرکزی وحتی مصر وشام، باری قبول دارم که فقه وهابی چالشی بزرگ برای اجتهاد وخردگرایبی کلامی واعتقادی در اسلام است. وهابیت بانفی هرگونه خردورزی واجتهاد در اصول وفروع در عمل همه مظاهر اندیشگی در اسلام از تشیع گرفته تا اعتزال وجهمبگری واشعریت وماتریدیگری وفقه احناف راه چالش کشیده است وهمه آن ها را بدعی وبدعت گرا می خواند. کافی است سری یزید به منشورات ترانای وغیر ترانای عربستان سعودی در چند دهه اخیر تابیینید چگونه حتی شخص امام اعظم ابوحنیفه هدف اتهامات قرار می گیرد. نه آیا چنین است که اصحاب حدیث قدیم اهل سنت یعنی اسلاف حنابله وسلفیان وهابی امروز کتاب هادر برابریه ابوحنیفه واعتقادات وفقه اجتماعی او می نوشتند؟

با این وصف، حتی درباره داعش هم نمی توان گفت که عینا و مستقیماً بر ساخته وهابیت سنتی است. باری آنچه مسلم است، این است که داعش وفقه داعشی ماده خامی را در ساختن گفتمان خود استفاده می کند که وهابیت وتفکر سلفی در اختیارش قرار داده است. مشکل از وهابیت وتفکر سلفی است. مشکل در دوری گرفتن از فقه اجتماعی و اصول فقه اجتماعی و خردورزی اعتزالی است که تحت تأثیر تفکر سلفی می رود به کلی از میان برود. سلفیگری است که می تواند همه میراث خردگرایی دینی در سنت اسلامی را نابود کند.

فقه شیعی در طول تاریخ، هم خود را از خواهش های اصحاب قدرت دور می داشت، زیرا قدرت سلطان را اساسا نامشروع می دانست و هم با اجتهاد وتفکر اعتزالی و فلسفی خود قشریگری دینی را باروح دین در تضاد می دید. وقتی بلای سلفیگری وهابی به جان جهان اسلام افتاد، فقه شیعی به دلیل اختلاف بنیادی باتفکر وهابی تحت تأثیر آن قرار نگرفت. امروزه اما فقه شیعی تنها زمانی می تواند خود را از افتادن در خطاها وخطراتی که از آن ها در این یادداشت سخن گفتنی مصون دارد که به ضرورات ومصالح ومقتضیات زمان ومکان وبه اجتهاد مداوم در اصول وبه مقتضیات بشری بودن هر اجتماعی در دین پایبند بماند.

دکتر مجید تفرشی از نقش علما وروحانیت مشهد در جنبش مشروطیت می گوید

هنگامه قیام خراسان در روزگار مشروطه



از پایان جنگ جهانی تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و سپس تغییر سلطنت در پاییز ۱۳۰۴، منطقه دچار دگرگونی های جدی شد. این تحولات نه تنها سیاستگران، بازرگانان و روزنامه نگاران را درگیر خود کرد، بلکه علما و معارف سیاست گریز و مسئولان آستان قدس ومسجد گوهرشاد را نیز وارد کنش های سیاسی کرد. باید توجه کرد که تا اوایل حکومت پهلوی واستقرار سلطنت پهلوی، نایب التولیه آستان قدس وتولیت مسجد گوهرشاد، دو سمت جدا گانه بودند که گاهی باهم رقابت وناهماهنگی جدی نیز داشتند. از آنجا که حکومت مرکزی بر انتخاب تولیت مسجد دخالت مستقیم نداشت، در عمل این جبهه بندی در راستای حکومت ومردم نمایان می شد.

تا پیش از استقرار محمدولی خان اسدی، نایب التولیه از اقتدار کلامی بر موقوفات آستانه در استان برخوردار بود. وعناصر تأثیرگذار محلی چون طایفه سادات رضوی چندان از دولت مرکزی ونمایندگان حکومت تمکین نمی کردند. در عین حال اختلافات وقابت های عناصر چهارگانه حاکم بر مشهد (نایب التولیه، والی، رئیس نظمیه وفرمانده قشون/ لشکر شرق) نیز بر آستان تشمت محلی می افزود. با ریاست اسدی بر آستان قدس رضوی ومدیریت ومدارای بی نظیر او، تا حد زیادی از این تشمت کاسته شد. بعد از قیام گوهرشاد ودستگیری واعدام اسدی نیز حکومت مرکزی رضاشاه بادغام دو مقام والیگری/ استانداری بانایابت تولیت آستان قدس، کنترل خود بر مشهد را تثبیت کرد.

● علما و سیاستمداران مشهد چه رویکردی در برابر تغییر سلطنت قاجار داشتند؟

در این اوضاع، مشهد و خراسان کمترین همراهی وموافققت را با کودتا و تغییر سلطنت نشان داد، هر چند در اوایل سلطنت پهلوی، به دلیل مامشات اولیه رضاخان وقفتر مردم دارانه اسدی، بدبینی ها ومقاومت هایه حکومت جدید چندان آشکار نبود و حتی آقا زاده به امید حفظ اقتدار محلی نسبت به تعدی دولت مرکزی، عضویت مجلس مؤسسان تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی را نیز پذیرفت. با این همه، به تدریج مشهد ومنطقه به دلایل مختلف به سمت نارضایتی، نافرمانی و قیام پیش رفت، ولی باید توجه کرد که در چهارده سال نخست حکومت رضا خان، از کودتای ۱۲۹۹ تا خیزش گوهرشاد، حوادث به سمت انسداد رابطه دین ودولت پیش رفت.

● به نظر شما اثرگذارترین افراد در تحولات

مشروطه خواهی در میان علمای دینی چه کسانی بودند؟

علاوه بر آقا زاده خراسانی، شاید تأثیرگذارترین فرد مرتبط با همه این مجامع شیخ احمد بهار بود. احمد بهار ضمن سابقه روحانیت، به دلیل ارتباطات گسترده باعلما، اشتغال حرفه ای به روزنامه نگاری باروزنامه بهار، ارتباط فامیلی نزدیک باملک الشعرا بهار و خانواده های پرنفوذ بهار، تهرانی زاده و تهرانیان و از آن راه با بزرگانان منطقه و روشن فکران مرکز، نقش محوری را در مشهد، منطقه، کشور و حتی مبارزات علیه مظالم بریتانیا وشوروی ایفا کرد. این نقش مهم محلی احمد بهار نیز همانند کارکرد آقا زاده خراسانی تا زمان دستگیری وتبعید او پس از خیزش گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ ادامه یافت. در سال های منتهی به سقوط قاجاریه، در قلمرو علمای بزرگ منطقه، از نظر تأثیر سیاسی ومردمی، سوی علمای حوزوی مانند آیت ا... یونس اردبیلی یا ادیب نیشابوری وشیخ هاشم قزوینی که بیشتر متمرکز بر حوزه بودند، آیت ا... حاج آقا حسین قمی وآقا زاده خراسانی بیشترین تأثیر ونفوذ را به عنوان مرجعیت محلی داشتند. البته مقام معنوی وعلمی قمی در بین علما وحوزه بیشتر ونفوذ اجتماعی، مردمی وسیاسی آقا زاده بیشتر بود. قمی ازدخالت مستقیم ومستمدر سیاست پرهیز داشت وجایگاه عمومی ومردمی آقا زاده نمایان تر بود.

● در دوران جنگ جهانی اول، فعالیت های خارجی ها وستگمیری های آن ها چه تأثیری در ایجاد جریان های ضد استعماری داشت؟

اشغال مناطق مختلف خراسان به دست نیروهای نظامی وامنیتری روسیه، بریتانیا وعثمانی مظالم آنان در دوران جنگ اول، به افزایش روحیه ضد استعماری وجبهه به نسبت متحد علیه تجاوز خارجی در منطقه منجر شد. برای فرماندهی قوای خارجی، نه تنها خود خراسان از اهمیت راهبردی برخوردار بود، بلکه به دلیل هم جوارى با مناطق شرقی وشمالی پیرامونی ایران، خراسان را به مرکز فعالیت های جاسوسی وعملیاتی قوای اشغالگر تبدیل کرده بود.

در هفت سال پایانی حکومت قاجار، از ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۴،

اقامت آیت ا... آقا زاده در مشهد که تا قیام گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ خورشیدی به طول انجامید وسرنجام به دستگیری وتبعید او به تهران ومرگ بسیار مشکوک اومنجر شد، دورانی مهم و کمتر شناخته شده در تاریخ معاصر مشهد و خراسان است.

در فاصله میان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹، سوی علمای وحوزه علمیه، مجامع علمی فرهنگی وتجار و بازرگانان نیز در مشهد فعالیت داشتند. در این فاصله، بروز جنگ جهانی اول ودراوخر آن، پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه وپس از آن بروز جنگ داخلی میان بلشویک های حاکم وضدانقلابی های معارض، در مشهد بیش از دیگر مناطق ایران تأثیرگذار بود.

● در همان دوره فارغ از تأثیر جریان های دینی در تحولات، جریان های دیگری که فعالیت های سیاسی داشتند، چگونه در این زمینه فعال شدند؟

در این دوره، علاوه بر عناصر حکومتی، دینی، اجتماعی واقتصادی تأثیرگذار بر تحولات، چند جبهه جدید در صحنه حوادث خراسان و مشهد ظاهر شد، روزنامه نگاران آزادی خواه وسیاست وزران تأثیر گرفته مستقیم یا غیر مستقیم از بلشویسم ونظرات سوسیالیستی وهمچنین سوسیال دمکرات های فراری یا اعزامی از روسیه، آسیای مرکزی وقفقاز برای گسترش بلشویسم در خراسان و البته مهاجران گریخته از حکومت تازه تأسیس لنین در آن سوی خزر. با وجود اطلاعاتی که در هر یک از این موارد وجود دارد، هنوز مطالب مهم وناگفته ای در این مقالات باقی مانده است. برای مثال، به اطلاعات منتشر شده درباره انجمن ایالتی خراسان که زاده مشروطیت است، یا نقش انجمن های اجتماعی وادبی گوناگون در مشهد یا اتحادیه های تجار وبازاریان در منطقه، کمتر توجه شده است. درباره هریک از این بخش های تأثیرگذار در حوادث مشهد، گفتنی ها وناگفته های بسیاری وجود دارد. برای درک بهتر حلقه های ارتباطی این اجتماعات باید به بررسی چهره های مرتبط با این مجامع پرداخت.

● در منابع تاریخ مشروطه بیشتر به نقش مشروطه خواهان تهران در تحولات تاریخی آن برهه اشاره می شود. به نظر شما مشهد چه جایگاهی در دوره تاریخ ساز مشروطه داشته است؟ پیروزی انقلاب مشروطیت و پیامدهایش هم زمان با سراسر ایران، در خراسان ومشهد نیز تأثیرات شگرفی به جا گذاشت. برخلاف شماری از منابع تاریخی که نقش خراسان ومشهد در مشروطیت را ناچیز و کم رنگ جلوه داده اند، این منطقه در این خیزش سراسری، فعال و پرتلاش بود. علاوه بر کم توجهی به منابع متعدد پراکنده و چند منبع اصلی در این موضوع، در روایات ومنابع بین المللی، گزارش های کنسولگری های بریتانیا در مشهد و دیگر نواحی خراسان، عمدتاً نادیده گرفته شده است.

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه سال ها پیش از مشروطیت در کتاب مهم خود، «مطلع الشمس» که درباره تاریخ وجغرافیای خراسان است، از مشهد به عنوان سرزمین قیام های نافرجام یاد می کند. در دو سال پیش از پیروزی اولیه مشروطیت، چندین خیزش سیاسی واجتماعی در دوران والیگری غلامرضاخان آصف الدوله در منطقه رخ داد که از آن ها به عنوان پیش زمینه های مشروطه خراسان وحتی تأثیرگذار بر جنبش مشروطیت در سراسر کشور یاد می شود.

● اعتمادالسلطنه به چه رویداد هایی اشاره می کند؟ حوادثی مانند ماجرای فروش دختران قوچان به ترکمانان به علت فقر شدید خانواده ها یا دو شورش علیه کمبود ارزاق ونان در سال های ۱۲۸۲ و ۱۲۸۴ خورشیدی به علت قحطی، از بین رفتن محصولات کشاورزی واحترام آن توسط عوامل مقامات محلی موجب درگیری های جدی و قتل چندین نفر از مردم معترض، سپس برکناری آصف الدوله وجانشینی محمود خان ناصرالملک همدانی به جای او شد. حمایت شماری از علمای مهم مشهد از این اعتراضات، موجب تبعید چند تن از آنان به درگز و کلات شد.

● در این دوره نقش جریان های حوزوی در جریان سازی وهدایت جریان های مردمی چگونه ارزیابی می شود؟ حساسیت مسائل خراسان ومشهد آن قدر اهمیت داشت که آخوند محمد کاظم خراسانی، رهبر معنوی مشروطیت، یک سال پس از پیروزی اولیه انقلاب، فرزندش، میرزا محمد نجفی معروف به آقا زاده خراسانی را برای اداره امور دینی واجتماعی به نمایندگی از سوی خود روانه مشهد کرد. دوران



دکتر مجید تفرشی؛ برخلاف شماری از منابع تاریخی که نقش خراسان ومشهد در مشروطیت رانایزچیز و کم رنگ جلوه داده اند، این منطقه در این خیزش سراسری، فعال و پرتلاش بود

ماجرای نسخه وقفی نادرشاه در انگلیس

بروقفی بودن نسخه تصریح کرده است: «الوقف... ثابته لکنه مجهول المالك علی الظاهر ویحتمل رجوعه (؟) و...». این نسخه مدتی هم در کتابخانه شیخ عبدالحسین طهرانی (م ۱۲۸۶) مشهور به شیخ العرافین بوده است. در چندی نسخه مهر وقفی جاسع «هو الواقف ازکتب وقفی کتابخانه مرحوم شیخ عبدالحسین اعلی ا... مقامه، آمده است. در حاشیه برگ ابتدای نسخه وقف نامه ای به تاریخ ۱۲۸۸ قمری نوشته شده است که شاید از فرزند شیخ عبدالحسین باشد.

تفسیری مدرن است. در برخی موارد بیش از «روش» درباره «رویکرد»، سخن به میان آمده است. برای نمونه به رویکرد فمینیستی یا رویکرد سلطه ستیزانه اشاره شده است. در اینجا بیشتر منظور آن است که از یک نظریه یا حساسیت خاص در خواندن متن استفاده می شود، گرچه ممکن است روش متفاوتی وجود نداشته باشد. واژه پرکاربرد دیگر، «نقد» است. این واژه در این کتاب به هیچ وجه به معنای انتقاد نیست، بلکه منظور تحلیلی است که به فهم بهتر ومعمولا ستایش شکلی ومحتوایی متن منجر می شود. مشابه این کاربرد را در عبارت «نقد ادبی»، یا «نقد فیلم»، می بینیم که به معنای انتقاد نیست.

کتاب «روش های مدرن تفسیر متون مقدس»، نوشته دکتر فاطمه توفیقی توسط انتشارات کرگن در روزهای اخیر روانه بازار شده است.

روش های تفسیری یک متن برای تفسیر متنی کاملاً متفاوت عملی است. چنان که در فصل نخست اشاره می شود، از آنجا که از منظر برون دینی شرایط پیدایش کتاب مقدس وقرآن کریم متفاوت است، روش های به کار رفته در یکی از آن ها لزوماً برای دیگری مناسب نیست. همچنین منظر ایمانی متفاوت فرد مسلمان در برابر قرآن کریم و کتاب مقدس در رویکرد تفسیری او نیز تأثیر دارد.

در این کتاب منحصراً به تفاسیر مدرن پرداخته شده است، یعنی تفاسیری که از قرن هجدهم مرسوم شده اند. نقد متنی گرچه پیش از قرن هجدهم از زمان اختراع ماشین چاپ وحتی تا اندازه ای پیش از آن با قوت تمام موجود بود، فقط برای بررسی تحولات مدرن در این اثر گنجانده شده است.

در حالی که موضوع کلی این کتاب روش شناسی

روش های تفسیری کتاب مقدس در دوران مدرن رشد فراوانی داشته اند و سالانه چندین گردهمایی بزرگ درباره کاربست این روش ها و رویکردهای نوین برگزار می شود و کتاب هایی در این باره با شمارگان زیاد انتشار می یابند. اما این روش ها به ندرت در جامعه فارسی زبان معرفی شده اند. یکی از انگیزه های نگارش این کتاب، پرداختن به این پرسش رایج در مطالعات قرآنی است که تا چه حد می توان از روش هایی که جوامع مسیحی غربی برای فهم متون شکل گرفته است، در تفسیر قرآن کریم بهره برد. به همین دلیل هر فصل با امکان وقوع کاربست هر روش در قرآن پژوهی پایان می یابد.

درواقع این کتاب به نوعی روش شناسی تطبیقی متون مقدس است. به این طریق که بررسی می می شود تا چه حد

روش های فهم کتاب مقدس

